

# مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید با رویکردی بر تولید محصولات تراریخته (به همراه مطالعه‌ای تطبیقی)

میلاذ مشایخ،\* مرتضی شهبازی‌نیا\*\* و غفور خوئینی\*\*\*

تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۷/۱۴

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۱/۲۶

عدالت که از اصلی‌ترین گزاره‌های حقوق به‌شمار می‌آید اقتضاء می‌کند تا در بررسی‌های حقوقی خویش که نهایتاً نیز ممکن است، نتایج این تحقیقات برای سفر به وادی قانونگذاری رخت برنندد و به قوانین لازم‌الاجرا بدل شود، از قشر آسیب‌پذیر جامعه دفاعی به غایت مطلوب، ارائه نماییم. شناسایی نهاد مسئولیت ناشی از عیب تولید یکی از نتایج مفروض دانستن گزاره پیش گفته است، مسئولیتی که از قواعد سنتی ضمان رهیده و در وادی عدالت ولو با نادیده انگاشتن برخی از اصول و قواعد آرمیده است، در این نوع خاصی از مسئولیت مصرف‌کننده جایگاه ویژه‌ای دارد و قانونگذار در تلاش است تا بتواند از منافع او در برابر تولیدکننده حمایت کند، و از طرفی تولیدکننده را مسئول مطلق قلمداد نکند؛ زیرا مصالح اقتصادی و نیاز جوامع به توسعه روی برتافتن نسبت به حمایت از تولیدکننده را نیز برنمی‌تابد، این رویکرد در تولید محصولات متعدد از جمله محصولات تراریخته قابل اعمال و شایان توجه بوده و به نظر می‌رسد، در حال حاضر مناسب‌ترین نوع مسئولیت با در نظر داشتن خصایص تولیدات عصر حاضر است. لازم به ذکر است تحقیق صورت گرفته در این نوشتار با توسل به روش توصیفی - تحلیلی همچنین، در نظر داشتن نمونه‌های قانونی داخلی و خارجی، جهت بررسی مسئولیت ناشی از عیب تولید خصوصاً با رویکردی خاص بر تولید و عرضه محصولات تراریخته تدوین گردیده و درصدد دستیابی به نتایجی مطلوب در این زمینه است.

**کلیدواژه‌ها: عیب تولید؛ مسئولیت محض؛ عرضه‌کننده؛ زیست فناوری؛ تراریخته**

\* دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: mashayekh-khu@yahoo.com

Email: shahbazinia@modares.ac.ir

\*\* دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس؛

Email: gkhoeini@khu.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران؛

## مقدمه

اندیشه رشد جامعه و رویکردهای پیشرفت گرایانه در هر عهد و دیاری مبتنی بر گسترش فعالیت‌های صنعتی و تولیدی است. این اندیشه در بسیاری از جوامع که به دنبال توسعه بی‌قید و شرط خویش بوده و هستند از نگاه اقتصادی که مبتنی بر اندیشه کارایی اقتصادی صرف است امری به غایت پسندیده و حسن به‌شمار می‌رود. اما نباید از نظر دور داشت که در چرخه پیشرفت اقتصادی آسیب‌پذیرترین اقشار، قشر ضعیف از نقطه نظر مادی محسوب می‌شوند، آنهایی که در چرخه توسعه ممکن است به‌طور کامل از بین رفته و یا با نگاهی خوش‌بینانه حداقل آسیب جدی را متحمل شوند. البته لازم به ذکر است که این نگاه (کارایی اقتصادی صرف) در خصوص کشورهای که در ابتدای مسیر توسعه قرار دارند بر مبنای مصلحت ممکن است قابل توجیه باشد، لکن ادامه این مسیر پس از پیشرفت صنعتی و اقتصادی نه تنها از جهت نیروی مذهبی بلکه از جهت وجدانی و عقلی نیز قابلیت پذیرش را نخواهد داشت. همین اندیشه موجب روزه‌ای در تفکرات حقوق‌دانان غربی شد، آنان که به جهت نیاز به تولید و صنعتی شدن خویش در مقطعی مسئولیت تولیدکننده را مبتنی بر قاعده سنتی تقصیر که در بیشتر موارد توسط مصرف‌کننده ضعیف قابل اثبات نبود، توجیه می‌کردند، اما دیگر پس از توسعه دست آویختن به قاعده مزبور را جایز نمی‌شمردند. آن متفکران به دنبال تبیین رژیمی خاص جهت مسئولیت ناشی از عیب تولید می‌گشتند، مسئولیتی که پس از توسعه نسبی جوامع متبوعشان بر تعهدات تولیدکننده بیافزاید و از مصرف‌کننده در برابر تولیدکننده گاه اغواگر حمایت کند.

این حساسیت بر کالاهای تولیدی عصر حاضر خصوصاً ماحصل تولیدی مطالعات مهندس ژنتیک بیشتر به چشم می‌خورد چرا که خصوصیت مبتنی بر صعوبت اثبات تقصیر در فرایند تولید این محصولات همچنین نقص علم محاکم و کارشناسان این عرصه جهت احراز تقصیر علاوه بر آن عدم کارایی مناسب نظام مسئولیت قراردادی، مبانی ترسیم نظام مسئولیتی خاص تحت عنوان مسئولیت ناشی از عیب تولید را بنا نهاد، به شکلی که در سالیان اخیر در کنار تئوری‌های حقوقی مسئولیت فوق، قوانین مرتبطی نیز در جوامعی که در این خصوص احساس نیاز می‌کردند به تصویب رسید که در مقاله پیش‌رو نیز به برخی

مواد آن قوانین اشاره شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اما از رهگذر دیدگاه نگارندگان این مرقومه می‌توان ابراز داشت که عدم وجود مطالعه‌ای مبسوط در حوزه مسئولیت ناشی از عیب تولید خصوصاً با رویکرد محصولات تراریخته، آنان را بر آن داشت تا با استناد به مبانی و قواعد اصیل حقوقی علاوه بر آن لحاظ اهمیت موضوع مزبور مبتنی بر تولید و عرضه محصولات جدید خصوصاً تولیدات در عرصه مهندسی ژنتیکی نوشتار پیش‌رو را با تمامی ضعف‌ها و کاستی‌های منابع قابل رجوع و در دسترس، تدوین کنند. پرسش اصلی این نوشتار که در واقع پاسخ بدان غایت نهایی این تحقیق به حساب خواهد آمد، در راستای چگونگی مسئولیت ناشی از عیب تولید با رویکردی بر تولید محصولات تراریخته طرح می‌شود؟ که پاسخ اجمالی بدان می‌تواند مبتنی بر شناسایی مسئولیت برای تولیدکنندگان با توجه بر نظریه‌ای خاص جهت تأمین حداکثری منافع مصرف‌کننده همچنین مفروض داشتن رسالت اصلی مسئولیت مدنی که همانا اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت قبل از ورود زیان است، تقریر شود. بنابراین مطالب ارائه شده در این مقاله از بررسی مفهوم محصولات تراریخته آغاز شده و به واسطه معناشناسی عیب خاصه عیب تولید همچنین طرح برخی سؤالات مرتبط و پاسخگویی به آنها ادامه یافته و در نهایت با تمسک به مطالبی در باب اتخاذ مبنایی مناسب جهت مسئولیت ناشی از عیب تولید با در نظر داشتن محصولات تراریخته همچنین تقریر برآمد بحث پیش‌رو پایان خواهد پذیرفت.

## ۱. طرح بحث و تبیین مفهوم محصولات تراریخته<sup>۱</sup>

در جامعه صنعتی اگر از مصرف‌کنندگان در برابر تولیدکنندگان بزرگ حمایت نشود، آنان خود توان ایستادگی ندارند و به‌زودی پایمال زورمندان می‌شوند، پس باید به یاری ناتوان شتافت و در این راه به حربه‌های کهن قناعت نکرد، زیرا در بیشتر دعاوی زیان‌دیده نمی‌تواند خطای تولیدکننده و فروشنده را ثابت کند و گاه نیز تقصیری رخ نداده است تا اثبات شود، (کاتوزیان، الف ۱۳۸۴: ۷) در این مسیر، حقوق‌دانان، طریقی جزء به کار بستن رفتار مبتنی بر عدالت پیش روی خود نمی‌بینند و باید با به کارگیری ملکه عدالت و از نظر

دور داشتن برخی موانع نظام کهن مسئولیت به بنایی تازه بیانداشند و طرحی نو در اندازند. تا تولیدکننده‌ای که در برخی از جوامع در بعضی محصولات تا سرحد انحصار نیز فعالیت می‌نماید جامعه متبوع خویش را مستعد پذیرش هرگونه ناکارآمدی، نقص علم و در نتیجه کالای معیب تولیدی میندازد. ماحصل این نگرش در حقوقدانان نظریه پرداز، برآمدی جزء نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید را به ارمان نخواهد آورد (Wahl, 1994: 211; Emanuel and Behr, 1987: 317) این احساس مسئولیت نسبت به تولید محصولات جدید و نسبتاً حساس و خطرناک چون محصولات تراریخته که تعریفی به این شرح دارند بیشتر احساس می‌گردد: محصولات تراریخته یکی از نتایج علم بیوتکنولوژی محسوب می‌گردند، بیوتکنولوژی به مفهوم عام آن به: «کاربرد و استفاده از موجودات زنده، اندام‌ها و بافت‌هایی از موجودات زنده و یا حتی سلول‌ها و اجزای زیر سلولی» (مانند پروتوپلاست و کلروپلاست) برای تولید یک محصول و فرآورده با ایجاد و ارائه خدماتی برای بهبود رفاه بشر اطلاق می‌شود» موجودات تراریخته و یا به عبارت ژورنالیستی آن «مهندسی ژنتیک شده» که معادل (GMO)<sup>۱</sup> یا (LMO)<sup>۲</sup> می‌باشند، یعنی موجوداتی که D.N.A (اسید نوکلئیک) پس از ایجاد تغییر در خارج از بدن آن موجود به درون سلول‌های آن منتقل شده باشد به نحوی که بتواند جزو D. N. A موجود شود، این D. N. A منتقل شده (تراژن) می‌تواند به فعالیت عادی پرداخته و موجب تولید فرآورده‌هایی شود که به نوبه خود صفات مطلوبی مانند: مقاومت به آفات و تحمل خشکی در محصولات زراعی را ایجاد کند و منجر به تولید مواد با ارزشی مثل واکسن خوراکی یا ویتامین‌ها و داروهای گیاهی شود (قره‌یاضی، ۱۳۸۶: ۴). امروزه تجاری‌سازی گیاهان تراریخته در سطح جهانی با سرعت در حال افزایش است، لذا توسعه و بهره‌برداری هدفمند از مهندسی ژنتیک و زیست فناوری در این خصوص امری است که کشورهای مختلف جهان آن را دنبال می‌کنند این رویکرد به دلیل افزایش روزافزون جمعیت و محدودیت سطح زیر کشت، برای ارتقای کیفیت و کمیت مواد غذایی توجیه می‌شود (Marillonnet, Klimyuk and Gleba, 2003: 226)

1. Genetically Modified Organisms (GMO)

2. Living Modified Organisms (LMO)

(http://www.i-sis.org.uk/list.php11). اما جدا از فواید و آثار مطلوب محصولات تراریخته، بحث مضرات و آثار نامطلوب آن نیز مطرح است (Ladics, 1999: 7; Hileman, 1999: 7; Lehrer and Bannon, 2005: 559; and et al., 2003: 10). احتمال ایجاد ویروس‌ها و سموم جدید، تهدید تنوع ژنتیکی گیاهی، تغییر در کیفیت تغذیه‌ای مواد غذایی (Phillips, 1994: 96) و محدودیت دسترسی به بذور به دلیل مالکیت معنوی گیاهان غذایی اصلاح شده ژنتیکی، نگرانی‌های کشاورزان محصولات ارگانیک و سنتی و ترس از ناشناخته‌ها از جمله خطرات و نگرانی‌های محصولات مزبور است (Koch, 1998: 84). در این میان حساسیت‌های موجود در جامعه حقوقی نسبت به تولید فرآورده‌ها خصوصاً محصولات مبتنی بر مهندسی ژنتیک موجب تصویب قوانین متعدد مرتبط و در پرتو آن قوانین، ارائه نظرات حقوقی بدیع در این عرصه نسبت به موضوع مسئولیت ناشی از عیب تولید، در کشورهای مختلف از جمله ایران و تدوین معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای مختلفی شده است، که به شرح ذیل است:

۱. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸،
  ۲. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶،
  ۳. قانون مربوط به مواد پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴ با الحاقات و اصلاحات بعدی،
  ۴. دستورالعمل مسئولیت ناشی از عیب تولید جامعه اروپا ۱۹۸۵<sup>۱</sup>،
  ۵. قانون نوزدهم مه ۱۹۸۸ در راستای شناسایی و تدوین قواعد مسئولیت ناشی از عیب تولید و اضافه کردن بندهای هجده گانه ماده ۱۳۸۶ قانون مدنی فرانسه،
  ۶. قانون مسئولیت ناشی از عیب تولید سوئیس مصوب ۱۹۹۳<sup>۲</sup>،
  ۷. قانون دوم و سوم مسئولیت مدنی آمریکا مصوب ۱۹۶۵<sup>۳</sup>،
  ۸. دستورالعمل عام ایمنی کالای تولیدی اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۹۴ و ...
- همچنین از منظر نظارت و شناسایی نظام مسئولیت برای تولیدکننده محصولات

1. EC Product Liability Directive (1985)

2. Product Liability Act (1993)

3. Second and Third of Tort (1965)

تراریخته که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با حوزه تولید این محصولات مرتبط باشد می‌توان به قوانین زیر اشاره کرد:

۱. قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸،
۲. قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران پرتکل ایمنی زیستی کارتاها<sup>۱</sup> مصوب ۱۳۸۲: لازم به ذکر است در عرصه جهانی، پیمان بین‌المللی تنوع زیستی در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو<sup>۲</sup> امضا و در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۲ لازم‌الاجرا شد، این پیمان منشأ انعقاد معاهده کارتاها در سال ۲۰۰۰ شد که به موجب قانون مزبور ایران نیز به آن، که در واقع مهم‌ترین ابزار بین‌المللی جهت حل و فصل مسائل مربوط به فناوری زیستی به‌شمار می‌آید، ملحق گشته است. هدف اصلی این پروتکل همان‌طور که در بخش پایانی ماده اول آن آمده است در راستای کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، جابه‌جایی و استفاده ایمن از موجودات زنده تغییر شکل یافته است، این هدف در یک عبارت تضمین ایمنی زیستی خواهد بود،
۳. پروتکل الحاقی ناگویا<sup>۳</sup> (کوالامپور) مصوب ۲۰۱۰: این پروتکل در راستای اجرای ماده (۲۷) پروتکل کارتاها در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۰ به تصویب رسید، و کشور ایران نیز آن را امضا کرد، لکن به شکل رسمی بدان نپیوسته است، البته این پروتکل به جهت اینکه به حدنصاب اعضا جهت اجرا نرسیده، تاکنون وارد فاز اجرایی نشده است،
۴. قانون محصولات غذایی و دامی تراریخته شورای اروپا مصوب ۲۰۰۳،<sup>۴</sup>
۵. قانون نظارت بر محصولات تراریخته مصوب ۱۹۹۵،<sup>۵</sup>
۶. قانون تنوع زیستی مالزی مصوب سال ۲۰۰۷،
۷. قانون حفاظت زیستی انگلستان مصوب ۱۹۹۰ و ...

که به برخی از این قوانین در فرایند نگارش مقاله پیش‌رو استناد شده است، حال با توجه به مقدمات ما نحن فیه وارد بحث اصلی این مقاله می‌شویم:

---

1. Cartagena Protocol
2. Convention of Rio (de Janeiro)
3. Nagoya Protocol
4. Genetically Modified Food and Feed
5. Supervision at Transgenic Products Act (1995)
6. Environmental Protection Act 1990

## ۲. بررسی مفهوم عیب تولید<sup>۱</sup> و مسئولیت مدنی ناشی از آن<sup>۲</sup>

### ۲-۱. تبیین مفهوم عیب تولید

عیب<sup>۳</sup> در لغت به فتح عین و سکون یاء، مصدر از ریشه «عاب» می‌باشد که در معاجم لغوی فارسی و عربی به معنای بدی، نقص، کاستی و نقصان آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۴۹۰؛ معلوف، بی‌تا: ۱۲۴۱؛ ابن منظور، ۱۴۰۸ ق: ۴۹۰) در میان فقهای امامیه (نجفی، ۱۳۸۵: ۲۵۷؛ شعرانی، ۱۳۹۰ش: ۲۵۶) شیخ انصاری (ره) در تعریف عیب گوی سبقت را از سایرین برده چراکه ایشان واژه مزبور را «نقصان وصفی می‌داند که کالا را از مرتبه متوسط عرفی نزد معروف جامعه پایین تر آورد» (شیخ انصاری، بی‌تا: ۲۶۵). نقطه قابل تحسین تعریف مزبور از واژه عیب، ابتدای معیار تشخیص عیب بر مرتبه متوسط عرفی است به نحوی که می‌توان به این امر اذعان داشت: شیخ انصاری (ره) نقص تعریف پیشینیان و یا حداقل ابترنگاری آنان را جبران کرده است. سیری مختصر در میان قانون مدنی ایران نیز نسبت به واژه عیب ذهن هر آشنا به حقوق را به سمت ماده (۴۲۲) آن قانون و خیار عیب رهنمون می‌سازد ماده‌ای که از خیار عیب سخن رانده اما مفهوم آن را تشریح نکرده لکن شارحین قانون مدنی با این ادعا که تعریفشان از تعریف فقها دور نیافتاده عیب را: «هرگونه کمی و کاستی یا زیادی و فزونی برخلاف عادت و متعارف به سبب نقصان ماهیت یا انتفاع گردد» پنداشته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳: ۲۶۹۶؛ حائری شهاباغ، ۱۳۸۷: ۴۰۵؛ امامی، ۱۳۸۹: ۹۹؛ بروجردی (عبده)، ۱۳۸۰: ۲۴۷؛ کاتوزیان، الف ۱۳۸۴: ۱۴۳) و اما منظور از «عیب تولید»<sup>۴</sup> به گواه بند «۴» ماده (۱) قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان آمده است: «زیاده (زیاده یا نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمات تولیدشده گردد». در راستای جستجو در قوانین موضوعه ایران ماده (۲) آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۹ اصطلاح عیب ناشی از فرایند تولید را «زیاده، نقیصه و یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا و

1. Fault
2. Product Liability
3. Defect or Fault

۴. به طور کلی عیب در مسئولیت ناشی از عیب تولید سه زمینه کلی: عیب در طراحی، تولید، دادن اطلاعات و آگاهی

خدمات و یا عدم امکان استفاده متعارف از آن گردد» برشمرده است. از منظر حقوق تطبیقی مفهوم عیب تولید با لحاظ اختصار به شکل زیر قابل ارائه است: در ماده (۶) دستورالعمل جامعه اروپایی نسبت به تعریف کالای معیوب آمده است: «کالا در صورتی معیوب است که با لحاظ کردن مقدمات زیر سلامت مورد توقع فرد مصرف کننده را فراهم نیاورده: الف) ارائه کالا. ب) استفاده‌ای که به شکل معروف و متعارف از کالای تولید شده انتظار می‌رود. ج) زمانی که کالای تولید شده به جریان فتاده است» البته به گواه بخش دوم ماده مزبور «کالای تولید شده را فقط بدین دلیل که در آینده کالای با کیفیت تری به وجود آمده و تولید گشته است نمی‌توان معیوب به حساب آورد».

در این خصوص اشاره به بند «۴» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه نیز خالی از وجه نمی‌باشد چراکه ماده مزبور در این مورد مقرر می‌دارد: «محصول در صورتی معیوب است که ایمنی مقبول مورد نظر را تأمین ننماید». که تعاریف مزبور به شکل مستقیم در خصوص تشخیص معیوب بودن محصولات تراریخته نیز قابل به کارگیری خواهند بود. به نظر می‌رسد مسئله بعدی که باید در مرقومه پیش‌رو بدان پرداخته شود، رویکرد حقوقی به مسئولیت ناشی از عیب تولید به‌طور کلی، سپس خاصه عیب تولید ناشی از محصولات تراریخته باشد.

## ۲-۲. رویکرد حقوقی به مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید

اکنون رویکرد قوانین مخصوص و موجود داخلی و خارجی نسبت به مسئولیت ناشی از عیب تولید با رویکردی بر محصولات تراریخته را تبیین می‌کنیم: جهت تعیین نگرش قانونگذار ایرانی نسبت به مسئولیت ناشی از عیب تولید می‌توان به دو ماده (۲) و (۱۸) قانون حمایت از مصرف کنندگان اشاره کرد. دو ماده قانونی فوق به این شرح است: ماده (۲): «کلیه عرضه کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...».

ماده (۱۸): «چنانچه کالا یا خدمات عرضه شده توسط عرضه کنندگان کالا یا خدمات معیوب باشد و به واسطه آن عیب، خساراتی به مصرف کننده وارد گردد متخلف علاوه بر

جبران خسارات به پرداخت جزای نقدی حداکثر تا معادل چهار برابر خسارت محکوم خواهد شد».

علاوه بر دو ماده مزبور همان طور که برخی اساتید نیز بدان اشاره کرده اند، آنچه که در تبصره «۴» ماده (۱۴) قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی اصلاح شده در سال ۱۳۶۷<sup>۱</sup> منصوص گردید، به نظر جهت تثبیت مسئولیت غیر کیفری قابلیت برداشت در این عرصه را خواهد داشت. نظریه پرداز فوق، از عبارت «علاوه بر جبران خسارت وارده» در آن ماده مسئولیت مدنی برداشت کرده است (کاتوزیان، الف ۱۳۸۴: ۲۴۱) البته لازم به ذکر است که برخی دیگر از نگارندگان قانون مذکور را صرفاً در بحث مسئولیت کیفری به عنوان قانون خاص مورد اشاره قرار داده اند (قاسمی حامد، خالدی دوبرجی، ۱۳۹۱: ۱۷۹) از جمله قوانین داخلی دیگر که در خصوص مسئولیت ناشی از عیب تولید مقررهای قابلیت استناد در آن وجود دارد، قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۶ است، در ماده (۳) قانون فوق آمده است: «عرضه کننده در طول دوره ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید یا حمل است) که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه استفاده معمول از خودرو بروز نموده و با مفاد ضمانت نامه و مشخصات اعلامی به مصرف کننده مغایر بوده یا مانع استفاده مطلوب از خودرو و یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی خودرو شود، ... می باشد».

از منظر حقوق تطبیقی نیز بند «۱» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه تولید کننده را مسئول خسارت وارده بر مصرف کننده کالای معیوب قرار داده است، خواه به طور مستقیم با تولید کننده ارتباط مستقیم داشته یا به شکل غیر مستقیم کالای معیوب او را مصرف کرده باشد. لکن از روزه محصولات تراریخته، اولین قانون بومی قابل استناد، قانون ایمنی زیستی است که پیش تر نیز مورد اشاره واقع گشت، قانون فوق در بند «۳» ماده (۱) خود تعریفی از ایمنی زیستی به این شرح ارائه کرده است: «مجموعه‌ای از تدابیر سیاست‌ها، مقررات و روش‌هایی برای تضمین بهره‌برداری از فواید فناوری زیستی جدید و پیشگیری از آثار سوء

احتمالی کاربرد این فناوری برتنوع زیستی، سلامت انسان، دام، گیاه، محیط زیست می‌باشد». پیداست که لزوم جبران خسارت مقرر در ماده (۶) این قانون مبتنی بر تهدید ایمنی زیستی بر تعریف فوق‌الذکر بنا شده است.

البته بر ماده (۶) عده‌ای از اندیشوران به جهت کامل نبودن و در نظر نگرفتن برخی زوایا و عدم تفکیک زیان‌های احتمالی محصولات ترانسژنیک به محیط زیست که مسئله‌ای است مبتنی بر قواعد عمومی و حاکمیتی در مقایسه با مواد (۹، ۱۰ و ۱۱) پیش‌نویس قانون ایمنی زیستی که در زمان خود جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه شد اما به شکل ماده (۶) مصوب گردید، انتقاد وارد می‌آورند و از نقطه‌نظر دیگر، اختیار صرف دستگاه‌های اجرایی ذی‌صلاح جهت اقامه دعوا برای جبران خسارت با فرض اصول حقوقی و در نظر گرفتن پیش‌نویس اشاره شد را محل اشکال می‌دانند، که به نظر نیز اشکالات مطرح شده قابل تأیید و ابرام باشد (مهاجری، صفایی و مهدوی دامغانی، ۱۳۹۰: ۴۱) از منظر اسناد بین‌المللی برخی از نگارندگان به ماده (۲۷) پروتکل الحاقی کارتاها اشاره کرده‌اند، آنان موضوع ماده مزبور را لزوم جبران خسارات حاصله از فرایند تولید و عرضه محصولات تراریخته دانسته‌اند (همان: ۳۸) لکن توجه به متن ماده فوق چنین نتیجه‌ای را به دست نمی‌دهد چرا که آن مقرره بیان می‌دارد: «فراهمایی اعضا که به عنوان اجلاس اعضا این پروتکل فعالیت می‌کند باید در اولین اجلاس خود فرایندی را در خصوص جزئیات مناسب قواعد و روش‌های بین‌المللی در زمینه تعهد و جبران خسارت ناشی از نقل و انتقالات برون‌مرزی موجودات زنده تغییر شکل یافته تجزیه و تحلیل نموده و توجه لازم به فرایندهای در حال توسعه در حقوق بین‌الملل در خصوص این مطالب اتخاذ کرده و در جهت تکمیل این فرایند ظرف مدت چهار سال، تلاش خواهد کرد». همان‌طور که مشاهده شده است، این ماده صرفاً مسئولیت ناشی از نقل و انتقال برون‌مرزی محصولات تراریخته با بیان و بحث از نظام مسئولیت و راه‌های جبران خسارات را به آینده موکول کرده است (بیگدلی و بدیع صنایع اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۹۲). البته ماده مزبور خود محل اختلاف دیگری نیز است؛ زیرا عده‌ای با توجه به متن آن به این امر نظر

۱. دلیل محدودیت حجم مقاله برای مشاهده به آدرس زیر مراجعه فرمایید:

دارند که اشخاص حقیقی و حقوقی در صورت ایجاد خسارت، خود مسئول می‌باشند اما برخی نیز معتقدند که دولت‌ها به‌عنوان اعضای پروتکل مزبور مسئول جبران خسارت می‌باشد (داراب‌پور، ۱۳۸۹: ۴۷).

در راستای نگرش تطبیقی فوق‌استناد به ماده (۴۵) قانون محصولات نباتی و دامی (غذایی) تراریخته اروپا مصوب ۲۰۰۳ مناسب به نظر می‌رسد: مقررده مذکور دولت‌های اروپایی را مکلف به تدوین مقررات جهت صیانت از اهداف این قانون خصوصاً اهدافی کرده که در ماده (۱) قانون فوق‌الذکر تبیین شده است و تأکید دارد قوانینی نیز که در راستای جبران خسارت حاصله از این محصولات وضع خواهند شد باید متناسب با میزان ضرر وارد آمده، بوده و جنبه پیشگیرانه و بازدارندگی مطلوبی را نیز داشته باشند.

همچنین قانون حفاظت محیط زیست انگلیس مصوبه ۱۹۹۰ نیز از قوانین قابل‌استناد به نظر می‌رسد، در ماده (۳۵) قانون فوق‌الذکر لزوم جبران خسارت به هر آنچه که ممکن است به محیط زیست زیان آورد و از جمله آنها می‌تواند محصولات تراریخت باشد، اشاره می‌کند، و مسئولان ذی‌ربط را مکلف می‌کند بدین امر نظارت لازم را مبذول نمایند.

پس از سپری کردن مطالعات پیشین درخصوص مسئولیت، ناشی از عیب تولید خاصه تولید محصولات تراریخته به نظر می‌رسد عنوان مورد بررسی تاب تحقیق و مطالعه پیرامون دو مقوله دیگر را دارا خواهد بود: ۱. نوع مسئولیت برخاسته از عیب تولید: با این توضیح که مسئولیت غیرکیفری مستفاد از عیب تولید در محدوده کدام یک از شاخه‌های شناخته شده آن یعنی قراردادی و قهری جای می‌گیرد؟ ۲. مبنای مسئولیت مزبور: بین شرح که کدام یک از نظریات غیرقراردادی برای عیب تولید با این نوع خاص از مسئولیت مناسب باشند؟

### ۳. بررسی نوع مسئولیت مدنی برخاسته از عیب تولید

مسئولیت قراردادی یعنی ضمان حاصله از نقض غیرموجه تعهدی مشروع، مورد توافق طرفین و قانوناً حمایت شده که بر مبنای این عقیده و با در نظر داشتن مسئولیت ناشی از عیب تولید می‌توان گفت که: نقض غیرموجه قرارداد آن هم به واسطه ارائه کالای معیبه به خریدار، محلی مناسب جهت اعمال ماده (۴۲۲) قانون مدنی که سابقاً شرح آن گذشت و

اختصاص به خیار عیب دارد، خواهد بود، به نحوی که می‌توان با قرار دادن مسئولیت بر این ماده مشتری را مخیر کرد، فی‌مابین اخذ ارش و یا فسخ قرارداد مزبور. با پذیرش این تحلیل، نه تنها مسئولیت تولیدکننده در مرز قلمرو خصوصی قرارداد متوقف می‌ماند و کاهش می‌یابد بلکه ضرر ناشی از ضمان کالا معیب نیز قابل پیش‌بینی و محاسبه است و سازنده یا عرضه‌کننده کالا می‌تواند حساب دخل و خرج و سرنوشت سرمایه و سود و مسئولیت خود را با اطمینان در دسترسی داشته باشد و تصمیم به تولید و فزونی و کاهش آن بگیرد. (کاتوزیان، الف ۱۳۸۴: ۱۴) اما نقایص این نظریه در عرصه عیب تولید بیشمار است زیرا، الف) مسئولیت را به خریداران و فروشندگان محدود می‌کند و شخص ثالث از آن سودی نمی‌برد، مگر اینکه ثالث قائم مقام خریدار باشد، نتیجه‌ای که اصل نسبی بودن قراردادها مؤید آن خواهد بود (بزرگمهر، ۱۳۸۵: ۴۰). ب) خسارت‌هایی که از کالای معیوب به شخص وارد می‌شود، محدود به تفاوت قیمت نیست (بیگدلی و بدیع صنایع اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۹۵؛ ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۸). ج) از طرف دیگر محدود ساختن مسئولیت ناشی از عیب تولید به مسئولیت قراردادی به سود عدالت اجتماعی نبوده و همین امر موجب تزلزل هدف مزبور می‌شود. د) پذیرش مسئولیت قراردادی منافع خریدار را به خطر می‌اندازد چراکه ممکن است خریدار به جهت نیازی که به کالای تولید شده توسط تولیدکننده دارد، به خواسته‌های متعدد وی از جمله تبری از مسئولیت قراردادی تن در دهد که موجب تضییع حقوق خریدار شود (Noel and Phillips, 1981: 47). تمامی موارد فوق، موجب آن شد که حقوق‌دانان در مبحث مسئولیت ناشی از عیب تولید قائل به مسئولیت غیرقراردادی و مبتنی بر نظام مسئولیت قهری شوند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین براینده شناسایی مسئولیت قهری در این خصوص، مشخص شدن مفهوم خواهان دعوی مسئولیت ناشی از عیب تولید باشد چراکه می‌توان پس از رهیدن از گیرودار مسئولیت قراردادی خصوصاً نقص حاصله از اصل نسبی بودن قرارداد، خواهان این دعوا را صرفاً «مصرف‌کننده» نامید و مطلق مصرف‌کننده محصول معیب، خواه رابطه قراردادی مستقیم با تولیدکننده داشته باشد یا خیر و خواه طرف قرارداد مستقیم، تولیدکننده را از مسئولیت مبرا نموده یا ننموده باشد، بتواند از این نظام ترسیم یافته مسئولیت استفاده برده و عدالت به نحو

حداکثری تأمین شود. همچنین به نظر می‌رسد شناسایی مفهوم خواهان این دعوی مسئولیت، ایجاب می‌کند تا به مفهوم شناسی تولیدکننده به‌عنوان خواننده دعوا بپردازیم، چراکه تولیدکننده در نهایت باید بار استدلال حقوقی تثبیت‌کنندگان مسئولیت ناشی از عیب تولید را به دوش بکشد و وظیفه جبران زیان را متحمل شود. در همین راستا قانونگذار ایرانی در بند «۲» ماده (۱) قانون حمایت از مصرف‌کننده: تولیدکننده و یا به زعم خویش، عرضه‌کننده که طرف خطاب مقنن بوده است را معرفی کرده که به شرح زیر است: «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات: به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌کنندگان خدمات...» و اما از دیدگاه حقوق خارجی، استناد به ماده (۳) دستورالعمل جامعه اروپا ۱۹۸۵ که در سه بند به تعریف تولیدکننده پرداخته است مناسب به نظر می‌رسد: «بند اول) تولیدکننده، سازنده تمامی کالاها، تولیدکننده مواد خام یا سازنده اجزای ترکیبی آن و هر شخصی است که با قرار دادن نام، علامت تجاری یا نشانه‌های دیگر مختص به خود بر روی کالا، خویش را تولیدکننده کالا معرفی می‌نماید.

بند دوم) بدون اینکه بخواهیم هرگونه مسئولیتی را از تولیدکننده نفی نماییم، هرکس که کالایی را برای فروش، اجاره، یا به هر شکل دیگر از صور عرضه (توزیع) در زمان معامله (داد و ستد) خود، به اروپا وارد نماید تولیدکننده آن کالا به حساب می‌آید و از نظر طرح پیش‌رو دارای مسئولیت تولیدکننده است.

بند سوم) در مواردی که هویت تولیدکننده کالا معیب مشخص نباشد، هریک از تهیه‌کنندگان کالا، تولیدکننده تلقی خواهند شد، مگر آنکه در فرصتی متعارف، هویت تولیدکننده یا کسی که کالا را برای او تهیه کرده‌اند، به زیان‌دیده اطلاع دهد در مواردی که کالای وارد شده مبین هویت واردکننده بند دوم نباشد، این حکم (حکم بند «۳») جاری می‌باشد، ولو اینکه نام تولیدکننده مشخص باشد. در ادامه سه بند فوق می‌توان به دستورالعمل جامعه اروپا سال ۱۹۹۹ نیز اشاره کرد، در بند «۲» ماده (۱) طرح مزبور تولیدکننده محدودتر شده است و گسترش دستورالعمل سال ۱۹۸۵ را ندارد چراکه در این دستورالعمل آمده است: «تولیدکننده عبارت است از سازنده کالاهای مصرفی، واردکننده کالاهای مصرفی به قلمرو جامعه اروپا یا هر شخصی که با تغییر نام، علامت تجاری یا دیگر

مختصات خویشتن خود را تحت عنوان تولیدکننده به جامعه هدف خویش معرفی نماید» تعریف دوم اشاره شده به نظر قابلیت توجه بیشتری را دارد چراکه از نقطه نظر منطقی تعریفی موجز و نافذ بوده و مبتنی بر زواید تعریف تولیدکننده در دستورالعمل سال ۱۹۸۵ نمی‌باشد. درخصوص مفهوم تولیدکننده و تعیین مصادیق آن در حقوق فرانسه نیز استناد بند «۶» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی بی‌وجه نخواهد بود، در مقرر مزبور آمده است: «تولیدکننده اعم است از شخصی که کالای کاملی را می‌فروشد یا بخشی از آن و وسایل جانبی را تولید می‌کند، کسی هم که با نام تجاری خود محصولی را به بازار عرضه می‌نماید نیز در حکم تولیدکننده است».

پیرامون محصولات تراریخته و تعریفی که بتوان تولیدکننده آن محصولات را معرفی کرد به‌طور مشخص قانونگذار کتوم ایرانی در قانون ایمنی زیستی سخنی نرانده است، لکن از تلفیق مواد (۶ و ۷) قانون مزبور نتیجه‌ای که در ادامه خواهد آمد، به نظر حاصل می‌گردد: «تولیدکننده محصولات تراریخته اعم است از تولیدکننده، واردکننده، صادرکننده، متصدی حمل و نقل داخلی و یا فرامرزی محصولات فوق‌الذکر» از منظر حقوق تطبیقی در حوزه محصولات تراریخته، می‌توان به قانون محصولات ترنسژنیک اتحادیه اروپا مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد، در بند «۳» از ماده (۲) قانون مذکور به تولیدکننده اشاره کرده است و «آن را شخص حقیقی یا حقوقی برشمرده است که به موجب این قانون (با نظر داشتن ماده (۴۸) آن قانون، که درخصوص مسئولیت تولیدکننده محصولات تراریخته می‌باشد) الزامات موجود در متن مقرر فوق را برآورده سازد و به کار بستن مقررات را تضمین نماید». در ماده (۷) قانون ایمنی غذا کشور انگلستان مصوب ۱۹۹۰ قانونگذار انگلیسی نیز ارائه محصولات غذایی ناسالم را جرم و علاوه بر آن موجب مسئولیت مدنی پنداشته است و در همین راستا با در نظر داشتن ماده (۱۴) قانون مزبور تولیدکننده، اعم از فروشنده، عرضه‌کننده و واردکننده را برحسب مورد مسئول قلمداد کرده است.

#### ۴. شناسایی مبنای مسئولیت مدنی برخاسته از عیب تولید

همان‌طور که می‌دانیم از باب مسئولیت مدنی به معنای خاص (الزامات خارج از قرارداد)،

هر آنچه را که موجب زیان به دیگری شود و مبتنی بر نقض قراردادی مشروع، قانونی و توافق طرفین نباشد را شامل می‌شود، به نحوی که قواعد عام موجود در هر نظام حقوقی، مثبت چنین مسئولیتی خواهد بود، مقبولیت نظریه مسئولیت قهری در این نوع خاص از مسئولیت موجب آن می‌شود تا نگارندگان این حوزه، بدین امر بیان‌دیشند که کدام یک از مبانی رایج در خصوص مسئولیت قهری می‌تواند جهت تأیید مسئولیت ناشی از عیب تولید با تمامی ظرایفی که دارد، مؤثر و مطلوب افتد. چراکه به قول استارک «مبالغه‌آمیز نخواهد بود اگر گفته شود که مبنای مسئولیت مدنی بحث‌برانگیزترین موضوع در حقوق خصوصی است» (بادینی، ۱۳۸۴: ۷۷) با لحاظ نگرش اندیشمندان، در این خصوص دو مبنا به شکل مبسوط مورد مطالعه قرار گرفته است: ۱. نظریه تقصیر،<sup>۱</sup> ۲. نظریه مسئولیت محض؛<sup>۲</sup> البته برخی از نویسندگان از نظریاتی چون: مسئولیت مطلق (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۶) استناد عرفی ضرر (بیگدلی و بدیع صنایع اصفهانی، ۱۳۹۳: ۳۰۲؛ باریکلو، ۱۳۸۷: ۵۲) قابلیت انتساب (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۲) که البته سه نظریه اخیر شاذ و قابل نقد در این عرصه محسوب می‌شوند. حال پس از ذکر مقدمات مزبور به بررسی امکان‌سنجی اعمال هر یک از مبانی ذکر شده خواهیم پرداخت:

#### ۱-۴. نظریه تقصیر

نظریه تقصیر در مسئولیت مدنی نظریه قدیمی و سنتی می‌باشد که تا اواخر قرن نوزدهم میلادی در غرب حاکم بوده است. برابر این نظریه مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است و فقط کسی را می‌توان مسئول شناخت که مرتکب تقصیر شده باشد و اثبات آن اصولاً برعهده زیان‌دیده خواهد بود که معیار تشخیص آن را «تجاوز از رفتاری می‌دانند که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه به کار می‌بندد» در نظر انگاشته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۹۰). بر همین اساس معیار تقصیر در مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید نیز می‌باشد «مجموعه اقداماتی است که به‌طور متعارف هر سازنده و فروشنده‌ای باید رعایت کند» به‌عنوان نمونه، دقت در ساختن فرآورده‌ها از مواد اولیه مناسب، آزمایش، بازرسی کالا، رعایت کردن

1. Negligence  
2. Strict Liability

اصول علمی و فنی، به کار بستن کارگران مجرب در تولید کالا، دادن هشدارها و راهنمایی‌های کافی، دقت در بسته‌بندی کالا و به‌طور کلی رعایت استانداردها و ضوابطی که به‌طور مشخص، متعارف و معقول مبتنی بر احتیاطات لازم باید انجام گیرند که عدم به کار بستن آن موارد در فرایند تولید کالا (اعم از محصولات تراریخته و ...) تقصیر به حساب می‌آید (جعفری تبار، ۱۳۸۹: ۳۲) لکن با این تفصیل بر حکومت نظریه تقصیر نسبت به مسئولیت ناشی از عیب تولید اشکالات عمده‌ای به شرح زیر وارد گشته است:

۱. یکی از اساسی‌ترین معایب این نظریه، بار اثبات تقصیر تولید کننده است که زیان دیده باید بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت مبتنی بر تقصیر، تقصیر خوانده را اثبات کند، یعنی رفتار نامعقولی را که سبب نزدیک یا متعارف خسارت شده به او نسبت دهد. همچنین هرگونه رفتار نامتعارف زیان دیده ممکن است، مسئولیت خوانده را از بین ببرد یا کاهش دهد (بیگدلی و بدیع صنایع اصفهانی، ۱۳۹۳: ۳۰۱).

۲. از جهت قلمرو نظریه تقصیر نیز حمایت قانون اشخاصی را شامل می‌شود که قابل پیش‌بینی باشند، مانند رهگذری که از تصادم ماشین معیب صدمه می‌بیند و در رانندگی قابل پیش‌بینی است (کاتوزیان، الف ۱۳۸۴: ۱۷).

۳. گاهی اوقات در فرایند تولید کالا تقصیر محسوس و ملموس وجود ندارد تا به تولید کننده منسوب شود لکن به جهت موقعیت خاص مصرف کننده و موقعیت اقتصادی مرفه تولید کننده عدالت از منظر عدالت اجتماعی اقتضاء آن را دارد که تولید کننده مسئول قلمداد شود.

وانگهی با لحاظ ایرادهای مطرح شده در خصوص نظریه فوق و تجربه‌های عملی در این خصوص، به وضوح نشان داد که قواعد مرسوم مسئولیت مدنی از جمله لزوم اثبات تقصیر و حتی احراز رابطه سببیت میان تقصیر و ضرر، خود مانع تازه‌ای در حمایت از مصرف کننده ایجاد می‌کند؛ دامنه مسئولیت را گسترده‌تر می‌کند، ولی اثبات آن را دشوارتر، پس تمهیدی تازه لازم است تا مسئولیت سنتی به تضمین حق مصرف کننده نزدیک شود و از موانع اثبات بگذرد (همان). پس آنچه که نظریه تقصیر را نزد عقلاء در مورد مسئولیت ناشی از عیب تولید غیرموجه می‌نماید با لحاظ توضیحات ارائه شده به نظر

مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید با رویکردی بر تولید محصولات تراریخته ... \_\_\_\_\_ ۴۵

صحیح و قابل پذیرش خواهد بود، در نتیجه با لحاظ نقایصی که برای نظریه تقصیر برشمردیم، جهت تعدیل و اصلاح این نظریه سه راه حل مطرح می‌گردد: ۱. استفاده از شرط بنایی یا ضمنی در عرضه کالا و دادوستدهای حرفه‌ای؛ ۲. فرض علم فروشنده نسبت به عیب کالا؛ ۳. مسئولیت محض.

#### ۱-۱-۴. استفاده از شرط بنایی یا ضمنی در عرضه کالا و داد و ستدهای حرفه‌ای

به موجب این نظریه، فروشنده کالا تعهدی ضمنی مبنی بر ایمنی میباید داشته باشد. اما این نظریه به جهت اینکه با توجه به خاصیت و جایگاه آن کاملاً شخصی است، در حوزه مسئولیت قراردادی قرار می‌گیرد که هدف نهایی از تبیین مسئولیت ناشی از عیب تولید را فراهم نمی‌آورد.

#### ۲-۱-۴. فرض علم فروشنده نسبت به عیب کالا

بدین بیان که برخی چنین پنداشته‌اند: فروشندگان حرفه‌ای از عیوب و خطرهای کالایشان آگاهند پس آنان در فروش کالای معیوب خود «سوءنیت» دارند، عده‌ای دیگر نیز با تلطیف این نظریه از «قرینه علم به عیب» نام برده‌اند، یعنی فرض بر آن است که فروشندگان از عیوب کالایشان آگاهند (کازمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۰). ظاهراً نظریه مزبور منبعث از رأی دیوان عالی کشور فرانسه در پرونده‌ای مرتبط می‌باشد که در ۲۴ نوامبر ۱۹۵۴ صادر شده است. لکن این نظریه نیز مناسب به نظر نمی‌رسد، چراکه با تأمل در اندیشه‌های مطرح شده در این حوزه باید به دنبال مبنایی برای این نوع خاص از مسئولیت گشت که بتواند در فرض عدم سوءنیت و تقصیر تولیدکننده نیز به جهت حمایت از مصرف‌کننده ضعیف یارای استناد را داشته باشد.

#### ۲-۴. مسئولیت محض

منظور از مسئولیت محض یا مسئولیت نوعی آن است که در صورت ورود خسارت به

مصرف کننده در نتیجه مصرف کالای معیوب، تولید کننده، مسئول جبران زیان است. بی آنکه مصرف کننده برای گرفتن خسارت، مکلف به اثبات تقصیر تولید کننده باشد، لذا اثبات بی تقصیر و نداشتن عمد، باعث معافیت تولید کننده نمی شود (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۷۵). به عبارت دیگر در مسئولیت محض تولید کننده خواهان کافی است ثابت کند که کالا عرضه شده عیبی داشته است که ضرر از آن برخاسته، یا نقض اطلاعات و هشدارهای ضروری طوری مؤثر بوده که کالای سالم را معیب یا خطرناک کرده است. عذر بی تقصیری و ناآگاهی از خود عیب و حتی بی مبالاتی قابل پیش بینی خواهان از بار این مسئولیت نمی کاهد و تنها انتساب ضرر به قوه قاهره می تواند خواننده را از مسئولیت مبرا کند. با این تفصیل تغایر مفهومی مسئولیت محض با مسئولیت مبتنی بر فرض تقصیر و مسئولیت مطلق آشکار می شود. هدف مسئولیت محض در واقع «تحمیل ضمان به نتیجه فعل است نه کیفیت آن؛ به این بیان که در این فرض نتیجه ناگوار و مضر برای ایجاد مسئولیت کافی است»<sup>۱</sup> (کاتوزیان، ب ۱۳۸۴: ۱۸۶؛ کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۹۴) در این میان برخی پنداشته اند ابتدای نظام حقوقی آمریکا بر مسئولیت مطلق می باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۶)، اما آنچه ما می پنداریم، پذیرش نظریه مسئولیت محض در نظام حقوقی آمریکا با در نظر داشتن پرونده های *Greenman V. Yuba power* و *escolav. Cocacola bottlingco* و *products, inc* و بند «الف» ماده (۴۰۲) قانون دوم مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۹۹۵ است. ذکر این نکته نیز لازم است که در برخی نوشتارهای مرتبط، از مبانی تحت عنوان «استناد عرفی و قابلیت انتساب زیان» بحث شده که در تعریف آن دو به ترتیب آورده اند: «همیشه فرد در مقابل عملکرد خود مسئول می باشد و این اصلی منطقی، عقلانی و عرفی است در نتیجه هر فرد در مقابل اعمالی مسئول است که عرفاً به او منتسب است» (بیگدلی و بدیع صنایع اصفهانی، ۱۳۹۳: ۳۰۲؛ باریکلو، ۱۳۸۷: ۵۷) «مقصود از نظریه قابلیت انتساب (قابلیت انتساب زیان به عامل آن) است؛ بدین معنا که هرگاه زبانی پدید می آید، مسئولیت جبران خسارت برعهده کسی است که زیان مستند به عمل (فعل یا ترک فعل) او باشد. این قابلیت انتساب، مبتنی بر رابطه سببیت است» (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۴). لکن به عقیده

۱. چهره حمایتی این نوع از ضمان غلبه دارد.

نگارندگان طرح نظریه‌ای مستقل تحت عناوین مزبور استقلال مفهومی در قواعد مسئولیت مدنی نداشته چراکه در تمامی مبانی موجود در این حوزه مطالعاتی از حقوق هم «عرف» نقش تعیین کننده دارد و هم ضابطه اصلی شناسایی مسئول در وهله نخست برعهده «انتساب» است لکن رویکرد نظریه پردازان مسئولیت پژوه به دو گزاره پیش گفته متفاوت است، درواقع خوان عرف و انتساب درخصوص تمامی مفاهیم از تقصیر گرفته تا خطر و محض گسترانده شده است به نظر نگارندگان جنبه استقلالی بخشیدن به مبانی‌ای با آن عناوین پیام خودمختاری را در عرض سایر مبانی مخابره نمی کند. حال باید دید نگرش قانونگذار داخلی و خارجی نسبت به پذیرش نظریه مسئولیت محض در راستای مسئولیت ناشی از عیب تولید خصوصاً با در نظر داشتن تولید محصولات تراریخته چگونه است، البته لازم به ذکر است که ناگزیریم جهت بررسی چگونگی تأثیرپذیری قوانین متعدد از نظریه مزبور به تکرار برخی مواد قانونی پیش گفته بپردازیم.

#### ۱-۲-۴. تبیین نگرش قانونگذار نسبت به مسئولیت محض در باب مسئولیت

##### مدنی ناشی از عیب تولید

اصلی ترین متن قانونی قابل استناد جهت اثبات نظریه مسئولیت محض در نظام حقوقی ایران قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان است، مواد قابل استناد در این قانون که مرتبط با بحث مسئولیت تولید کننده باشد، مواد (۲، ۶، ۱۸)<sup>۱</sup> آن قانون اند. متن مواد ذکر شده گواه این امر است که قانونگذار ایرانی صراحتاً و تلویحاً به نظریه مسئولیت محض اشاره نکرده است این ضعف در کنار سایر نقایص امر مقدس قانونگذاری در کشورمان به روشنی گواه عدم نگرش تخصصی بر امر تقنین را می‌رساند. البته عبارات نارسای مواد اشاره شده مورد تحلیل و بررسی واقع گشته‌اند به شکلی که عده‌ای از عبارت «موجب خسارت وارده به مصرف کننده شده ...» که در بخشی از ماده (۱۶) قانون فوق الذکر بدان تصریح گردیده است را مؤید پذیرش نظریه سنتی تقصیر توسط قانونگذار ایرانی دانسته‌اند (ابدالی، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

لکن به نظر می‌رسد در رد این ادعا می‌توان گفت: همان‌طور که برخی پنداشته‌اند آنچه

۱. به دلیل محدودیت حجم مقاله این مواد در آدرس زیر قابل مشاهده‌اند:

برای تحقق مسئولیت ضروری است، احراز رابطه سببیت میان کالای معیوب و زیان وارده است و نه لزوم وجود تقصیر عرضه کننده (عبدی پور و پرتو، ۱۳۹۰: ۴). تا ما بتوانیم با تمسک بدان عبارت نظریه تقصیر را اثبات کنیم، علاوه بر آن، نگاهی گذرا به ماده (۱۸) که به آن اشاره شد، و توجه بدین نکته که صرفاً منتسب بودن ضرر به تولید کننده در ماده مزبور موجب مسئول شناختن وی می باشد نیز ادعای پذیرش نظریه تقصیر و رد نظریه مسئولیت محض را در منصوصات معنونه، مردود می نماید این ادعا را ماده (۳) قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ تأیید کرده است. با نگاهی گذرا به نص مزبور، نفی ضرورت احراز تقصیر تولید کننده جهت مسئول شناختن وی به چشم می خورد این رویکرد خود نوعی صحه گذاری بر نظریه مسئولیت محض است. البته ذکر یک نکته ممکن است لازم باشد که گاهی مصلحت برای مقررهای مسئولیت محض را به بار می آورد و گاهی نیز آن را از پهنه قانون می زداید در این خصوص مبنای مسئولیت پزشک که قانونگذار در ماده (۴۹۵) قانون مجازات اسلامی جدید آن را بر نظریه تقصیر استوار نموده برخلاف مواد (۳۱۹)، (۳۲۰، ۳۲۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ که مسئولیت محض را برگزیده بود تجربه قابل استنادی است<sup>۲</sup> (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴۲). حال از منظر حقوق تطبیقی ماده (۱) دستورالعمل جامعه اروپایی مصوب ۱۹۸۵ قابل اشاره می باشد که بیان می دارد: «تولید کننده مسئول خسارتی است که از عیب تولید محصول او نشئت می گیرد» به عقیده نویسندگان سکوت متن مزبور نسبت به ذکر مفاهیمی چون لزوم اثبات تقصیر و ... گویاتر از هزاران گفتار جهت پذیرش نظریه مسئولیت محض می باشد. همچنین بند «۱» و «۹» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه نیز جهت اثبات نظریه مسئولیت محض قابل استناد به نظر می رسد:

بند «۱» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه «تولید کننده مسئول زیان ناشی از محصول خویش است، اعم از اینکه بین او و زیان دیده قراردادی وجود داشته باشد یا اینکه چنین قراردادی در میان نباشد».

همچنین بند «۹» ماده فوق نیز خواهان را جهت تفوق و پیروزی بر خواننده

1. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97988>

۲. در صورتی که بررسی مبنای مسئولیت کیفری از منظر قانون مجازات اسلامی جدید خروج موضوعی محسوب نمی شد همچنین منافعی با محدودیت حجم مقاله به حساب نمی آمد مواد مرتبط با آن قانون را نیز مورد بررسی قرار می دادیم.

(تولیدکننده) ملزم به اثبات ورود خسارت، عیب کالا، رابطه علت بین ورود خسارت و عیب کالا کرده است. بدون اینکه بر لزوم اثبات تقصیر جهت مسئول شناختن تولیدکننده کالای معیّب، تأکید نماید.

در ماده (۱) مسئولیت ناشی از عیب تولید سوئیس مصوب ۱۹۹۳ نیز به شکل تلویحی نظریه مسئولیت محض مورد استناد واقع شده، در آن قانون آمده است: «اگر محصول معیّب تولیدکننده، سبب خسارت به شخصی یا خسارت مالی گردد، تولیدکننده در برابر خسارت مسئول است».

اما از منظر تولید محصولات تراریخت، قانون ملی ایمنی زیستی برخلاف درج و پذیرش قواعد مسئولیت محض در مواد (۹، ۱۰، ۱۱) پیش‌نویس ارائه شده آن به مجلس شورای اسلامی جهت تصویب نسبت به این امر پس از تصویب سکوت اختیار نموده است. از باب نمونه ماده (۹) پیش‌نویس مقرر می‌داشت: «دارنده مجوز مسئول جبران کلیه خسارت‌های موضوع مجوز می‌باشد و مکلف است به‌منظور جبران خسارت زیان‌دیدگان، مسئولیت مدنی خود را بیمه نماید. مسئولیت مذکور صرف‌نظر از تقصیر دارنده مجوز است مگر اینکه تقصیر اشخاص ثالث در این رابطه ثابت شود که در این صورت مسئولیت بر عهده اشخاص مذکور خواهد بود». توجه به متن فوق صراحت پذیرش نظریه مسئولیت محض را در پیش‌نویس قانون کاملاً مشخص می‌کند. اما در این مسیر بهت‌آورتر آنکه، جهت شناسایی مسئولیت تولیدکننده محصول تراریخت معیّب هیچ‌گونه موضع قابل‌ذکری در قانون مصوب اتخاذ نشده است، که در واقع نقضی بر سایر نقائص قانون مذکور افزوده، کما اینکه می‌توان با توسل به مصادر و نظریات حقوقی و نصوص قانونی نسبتاً مرتبط، مسئولیت محض را جهت مبنایی مناسب از برای تولید محصول معیّب تراریخت مورد استناد قرار داد، ولی بیش از پیش لزوم بازنگری دقیق قانون ایمنی زیستی احساس می‌شود. البته می‌توان با اندکی تسامح به قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ایمنی زیستی مصوب ۱۳۸۲ استناد کرد، همان‌طور که در ماده (۱) قانون فوق که هدف از تصویب آن قانون در واقع الحاق به پروتکل ایمنی زیستی می‌باشد: «کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسبات حفاظت در زمینه انتقال، جابجایی و استفاده ایمن از

موجودات زنده تغییر شکل یافته است، که حاصل فناوری زیستی جدید هستند...» معرفی شده است، در راستای آن هدف نهایی آنچه در ماده (۲۷) قانون مزبور آمده است تکلیف به قانونگذار کشورهای عضو جهت الهام گرفتن از روش‌ها و قواعد بین‌المللی جهت تدوین نظام مناسب جبران خسارت برای تولیدکننده این نوع خاص از محصولات مبتنی بر هدف تدوین این پروتکل است، بنابراین رجوع به نمونه‌های بین‌المللی و مطالعات تطبیقی در این زمینه همان‌طور که پیش از این به برخی از آنها اشاره شد برایندی جزء نظریه مسئولیت محض به همراه نخواهد داشت و به نظر می‌رسد، کشورهای عضو جزء تمکین از این نظریه طریق کارشناسی شده دیگری، حداقل می‌توان گفت تا به امروز پیش روی خود ندارند.

از منظر مطابقت با قوانین جاری کشورهای دیگر، سوئیس یکی از کشورهایی است که در زمینه سلامت و برچسب‌زنی محصولات تراریخته دارای مقرره‌ای در سال ۱۹۹۵ است، دولت این کشور برای خسارات حاصل از محصولات تراریخته که قابل پیش‌بینی بوده و ناشی از طبیعت خاص این محصولات است، مسئولیت محض مقرر کرده است. همچنین در سال ۱۹۹۰ قانون حفاظت زیستی انگلستان که در مورد محصولات تراریخته به تصویب رسید در ماده (۳۵) آن مسئولیت متصدیان تولید محصول تراریخته، مبتنی بر مسئولیت محض بنیان‌گذاری شده است.

علاوه بر آن، در قانون محصولات تراریخته کشور فرانسه مصوب سال ۲۰۰۸ نیز برای تولیدکنندگان محصولات مزبور مسئولیت محض را در نظر گرفته‌اند، چراکه به‌عنوان مثال طبق قانون مزبور: اثبات اینکه کشاورز تولیدکننده محصول تراریخته تمامی قوانین محیط زیستی را رعایت نموده است، تأثیری در مسئولیت او ندارد (مهاجری، صفایی و مهدوی دامغانی، ۱۳۹۰: ۳۹).

##### ۵. موارد معافیت تولیدکننده از مسئولیت مدنی

حال به نظر می‌رسد به‌عنوان آخرین بخش این مقاله اشاره به موارد معافیت تولیدکننده محصول معیب خالی از وجه نباشد. همانگونه که می‌دانیم رکن رکین تحقق مسئولیت محض در فرض عیب تولید، لزوم اثبات وجود عیب در کالای تولیدی توسط

مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید با رویکردی بر تولید محصولات ترازیخته ... \_\_\_\_\_ ۵۱

مصرف کننده است، پس اگر این شرط تحقق نیابد چنین مسئولیتی سالبه به انتفاع موضوع خواهد بود همچنین نفی مسئولیت در نظریه مسئولیت محض، نسبت به فرض بروز قوه قاهره<sup>۱</sup> نیز همان طور که اشاره گردید، موجب تمایز این نظریه با نظریه مسئولیت مطلق در نتیجه نفی ضمان خواهد بود، ادعایی که به نحو تلویحی در بند «۸» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه به آن اشاره شده است. البته در بند «۱۲» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه مقررهای تصویب یافته است که به موجب آن خواننده (تولیدکننده) می تواند با وجود پذیرش مسئولیت محض توسط قانونگذار خود را از مسئولیت مزبور میرا کند، تبری اشاره شده به اشکال زیر حاصل خواهد شد:

۱. اثبات این امر که تولیدکننده کالای معیوب را در معرض فروش و جریان مبادله قرار نداده است مثلاً در صورتی که کالای تولیدی ربوده شده باشد و سپس عرضه گردد.

۲. اثبات این امر که عیب در زمان عرضه و انتقال وجود نداشته یا پس از آن ایجاد شده است.

۳. اثبات این امر که تولید کالا به منظور ارائه و عرضه و فروش جهت استفاده مصرف کنندگان نبوده است؛ مثل محصولی که برای آزمایش تولید شده است.

۴. اثبات اینکه وضع معلومات علمی و فنی در زمانی که محصول عرضه شده، کشف عیب را ممکن نمی ساخته، البته این مورد در قانون حمایت از مصرف کننده بریتانیا نیز درج شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۳). همچنین قانون مسئولیت تولید بلژیک مصوب ۲۵ فوریه ۱۹۹۲ در بند «ه» از ماده (۸) خود دفاع نقص علم بشری را پذیرفته است. علاوه بر این در مقررات ایتالیا به موجب بند «ه» ماده (۶) فرمان ریاست جمهوری مورخ ۲۴ مه ۱۹۸۸ دفاع نقص علم بدون ذکر استثنایی پذیرفته شده است.

۵. عیب محصول در نتیجه انطباق آن با قواعد قانونی یا نظام اداری ایجاد شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۳).

۶. همچنین در بند «۱۳» ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی نیز فرض دیگری به این شرح آمده است: «چنانچه خسارت به اشتراک عیب کالا و خطای زیان دیده یا شخصی که زیان دیده

مسئول اوست رخ دهد، ممکن است با رعایت اوضاع و احوال موضوع، از مسئولیت تولیدکننده بکاهد یا آن را حذف کند».

غیر از بندهای اشاره شده ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی فرانسه و اصول مذکور در مسئولیت مدنی، در این باب نگارندگان با وجود کندوکاو در قوانین جاری ایران و سایر کشورها به نتایج قابل ذکر دیگری نسبت به خصوصیت مذکور دست نیافته‌اند.

### ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

همان‌طور که مرقوم گردید، نگرش حقوقی جهت تأسیس نهاد مسئولیت ناشی از عیب تولید، پس از گذار از دوره رکود اقتصادی و صنعتی و رسیدن به توسعه نسبی در جوامع به ذهن حقوقدانان خطور کرد، آنان تأملات خویش را به سمتی رهنمون ساختند تا نظام مسئولیتی جدید با به کارگیری روشی خاص تحت عنوان مسئولیت ناشی از عیب تولید شکل گیرد، تا پاسخگوی تولید فراورده‌های نوینی همچون محصولات تراریخته باشد. در نتیجه به شکلی که در این مقاله بدان پرداخته شد، برخلاف نگاه اول به رابطه تولیدکننده و مصرف‌کننده که مبتنی بر مسئولیت قراردادی قابل توجیه است، مسئولیت مزبور به الزامات خارج از قرارداد حمل گردید؛ زیرا ابتنای مسئولیت مزبور بر قرارداد مانع شناسایی مصرف‌کنندگان متضرری خواهد بود که رابطه قراردادی مستقیمی با تولیدکننده ندارند چراکه اصل نسبی بودن قرارداد بدان‌ها اجازه نمی‌دهد یا از طرفی درج شرط عدم مسئولیت در مسئولیت قراردادی راهگشای طرفین می‌باشد، لکن در مسئولیت ناشی از عیب تولید درج شرط مزبور ممنوع بوده که در متن اصلی مقاله نیز به این ممنوعیت اشاره شده است. از طرف دیگر نظریه پردازان این عرصه به خوبی دریافته‌اند که نظریه تقصیر به جهت صعوبت اثبات آن در تولیدات جدید خصوصاً تولیداتی چون محصولات تراریخته، مناسب نمی‌باشد و باید تمهیدی مطلوب اندیشید تا بتوان با تمسک بدان اشکالات نظریه سنتی تقصیر را از برای تولید محصولات، خاصه محصولات تراریخته مرتفع کرد، بدین سان بود که نظریه مسئولیت محض با تعریفی که از آن ارائه شد، توسط حقوقدانان مبنایی مطلوب جهت این نوع خاص از مسئولیت در عصر حاضر به حساب آمده است.

علاوه بر موارد فوق با به کارگیری مطالعه تطبیقی آنچه برای نگارندگان محرز گردیده است، کاستی‌های قانونگذاری در این عرصه در ایران است، خصوصاً از باب مسئولیت تولیدکننده در حوزه محصولات تراریخته چراکه مشاهده می‌شود بر خلاف لایحه ارائه شده قانون ایمنی زیستی به مجلس شورای اسلامی که صریحاً به مسئولیت تولیدکننده و تلویحاً به نظریه مسئولیت محض اشاره داشت، اما در قانون مصوب کاملاً این دو مورد را مسکوت گذارده است که این خود ضعفی سترگ به حساب می‌آید و نمی‌توان در این مسیر ادعا کرد که خواهیم توانست برای احراز موضع قانونگذار از برای شناسایی حدود مسئولیت تولیدکننده، به قانون الحاق جمهوری اسلامی ایران به پروتکل ایمنی زیستی تکیه کرد؛ زیرا همان‌طور که ماده (۲۷) پروتکل مزبور گویای این امر است، در آن پروتکل تصمیم‌گیری برای مسئولیت را به فراهمایی‌های بعدی واگذار کرد که به‌نوبه خود نقصی آشکار به حساب می‌آید، البته کاستی‌های دیگری هم مورد مذاقه واقع شده‌اند که در این مقام مجال دامن زدن بیشتر بدان‌ها وجود نخواهد داشت، به هر تقدیر امیدواریم که مقاله پیش رو مقبول افتد و صرفاً تحصیل حاصل نباشد.

## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابدالی، مهرزاد (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مبنا و حدود مسئولیت ناشی از عیب تولید در ایران، فرانسه و دستورالعمل جامعه اروپا»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۶.
۳. ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۸۶). «مسئولیت تولید کالای معیوب و حمایت از مصرف کننده (تحلیل حقوقی در سه نظام حقوقی برتر دنیا)»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال دوم، ش ۵.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۰۸). لسان العرب، جلد ۹، بیروت، مطبعه دارالاحیاء لثراث العربی.
۵. امامی، میرسیدحسن (۱۳۸۹). حقوق مدنی، جلد ۲، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
۶. انصاری، شیخ مرتضی (بی تا). المکاسب، چاپ سنگی.
۷. انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری (۱۳۸۶). دانشنامه حقوق خصوصی، جلد ۲، تهران، انتشارات محراب فکر.
۸. انصاری، علی و حجت مبین (۱۳۹۰). «نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه»، فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۵، ش ۱.
۹. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات سهامی انتشار.
۱۰. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات میزان.
۱۱. بروجرودی عبده، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۲. بزرگمهر، داود (۱۳۸۵). «مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۵۴.
۱۳. بیگدلی، سعید و امین بدیع صنایع اصفهانی (۱۳۹۳). «مبنای مسئولیت مدنی ناشی از محصولات غذایی اصلاح شده ژنتیکی (تراریخته) مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اسناد بین المللی»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۵، ش ۲.
۱۴. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران، انتشارات دادگستر.
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۶. حائری شاهباغ، سیدعلی (۱۳۸۷). شرح قانون مدنی، جلد ۱، تهران، انتشارات گنج دانش.
۱۷. داراب پور، مهرباب (۱۳۸۹). «مسئولیت مدنی بین المللی دولت ها در پروتکل ایمنی زیستی کار تاهینا»، پژوهشنامه حقوقی، سال اول، ش ۱.

مسئولیت مدنی ناشی از عیب تولید با رویکردی بر تولید محصولات ترا ریخته ... \_\_\_\_\_ ۵۵

۱۸. شعرانی، میرزا ابوالحسن (۱۳۹۰). شرح تبصره المتعلمین، تهران، مطبعه دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. صادقی، محسن (۱۳۸۶). «مسئولیت ناشی از کالای معیوب: مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق سوئیس و ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ش ۴۴.
۲۰. صفایی، سیدحسین (۱۳۹۱). «بنای مسئولیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۹.
۲۱. صفایی، سیدحسین و حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات سمت.
۲۲. طباطبایی‌نژاد، سیدمحمد (۱۳۹۴). «ویژگی‌های نظام مسئولیت مدنی ناشی از عیب کالا در نظام تعارض قوانین و گزینش قانون حاکم»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال سوم، ش ۱۲.
۲۳. عبدی‌پور، ابراهیم و حمیدرضا پرتو (۱۳۹۰). «مسئولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، حرکتی رو به جلو یا بازخوانی قواعد سنتی»، نامه مفید، دوره ۸۵، ش ۱.
۲۴. قاسمی‌حامد، عباس و پری‌خالدی‌دوبرجی (۱۳۹۱). «مسئولیت خسارت وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب یا خطرناک در قوانین و مقررات جاری»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، سال دوازدهم، ش ۲.
۲۵. قره‌یاضی، بهزاد (۱۳۸۶). «مروری بر آخرین وضعیت کشت محصولات ترا ریخته در ایران و جهان سال ۲۰۰۶»، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام به شماره ۵-۸۶۰-۶-۰۴.
۲۶. کاتوزیان، ناصر (الف) (۱۳۸۴). مسئولیت ناشی از عیب تولید، تهران، انتشارات گنج دانش.
۲۷. \_\_\_\_\_ (ب) (۱۳۸۴). «حمایت از زیان‌دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۸.
۲۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. کاتوزیان، ناصر و مهدی انصاری (۱۳۸۷). «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۲.
۳۰. کاظمی، محسن، غفور خوئینی، محمد روشن و شجاع روزبهانی (۱۳۹۲). «نقص علم در مسئولیت مدنی ناشی از تولید کالا»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هفتم، ش ۲۵.
۳۱. معلوف، لوئیس (بی‌تا). المنجد، ج ۲، بی‌جا.
۳۲. معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ لغت معین، ج ۲، تهران، انتشارات نامن.
۳۳. مهاجری، مینا، سیدحسین صفائی و عبدالمجید مهدوی دامغانی (۱۳۹۰). «ملاحظات اخلاقی و

حقوقی در کاربرد محصولات تراریخته با نگاهی به قانون ملی ایمنی زیستی»، فصلنامه/خلاق در علوم و فناوری، سال ششم، ش ۱.

۳۴. نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۸۵). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۳، تهران، مطبعه دارالکتب الاسلامیه.

35. Noel, Dix W. and Jerry J. Phillips (1981). *Product Liability*, West Pub.
36. Emanuel, Steven L. and William Behr (1987). *Tort*, U.S.A, Harvard University Pub.
37. Garza, C. and P. Stover (2003). General Introduction: the Role of Science in Identifying Common Ground in the Debate on Genetic Modification of Food in: *Genetically Modified Foods for Human Health and Nutrition: the Scientific Basis for Benefit/ Risk Assessment*, Trends in Food Science and Technology, No. 14, 182-190, <http://www.i-sis.org.uk/list.php11>.
38. Hileman, B. (1999). *UK Moratorium on Biotech Crops*, Chemical & Eng News May 24.
39. [http://rc.majlis.ir/fa/law/print\\_version/136112](http://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/136112)
40. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/94734>.
41. <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97988>
42. <http://www.i-sis.org.uk/list.php11>.
43. Koch, K. (1998). *Food Safety Battle: Organic vs. Biotech*, Congressional Quarterly Researcher.
44. Ladics, G. S., M. P. Holsapple, J. D. Astwood, I. Kimber, L. M. J. Knippels, R. M. Helm and W. Dong (2003). "Workshop Overview: Approaches to the Assessment of the Allergenic Potential of Food from Genetically Modified Crops", *Toxicol Sci*, No. 73.
45. Lehrer, S. B. and G. A. Bannon (2005). "Risks of Allergic Reactions to Biotech Proteins in foods: Perception and Reality", *Allergy Journal*, No. 60.
46. Marillonnet S., V. Klimyuk and Y. Gleba (2003). "Encoding Technical Information in GM Organisms", *Not Biotechnol*, No. 21.
47. Phillips, S. C. (1994). "Genetically Engineered Foods: do they Pose Health and Environmental Hazards?", *Congressional Quarterly Researcher*, No. 4.
48. Reinhard, Zimmerman (1996). *The Law of Obligation*, London, Calrendon Press.
49. Tebbens, Henricus Duintjer (1979). *International Product Liability*, Groningen, Noordhoff Pub.
50. Tune, Andre (2004). "International Encyclopedia of Comparative Law", Vol. 1, London, available at: <http://www.brill.com/international-encyclopedia-comparative-lew-volume-xi-2-vols>.
51. Wahl, Jenny B. (1994). *Economic of Tort and Products Liability Law*, New York, Garland.